

کوهها با هم اند و...

تألیف

باستانی یاریزی

(محمد ابراهیم)

استاد تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران



شعری

سرشناسه	باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۰۴ - ۱۳۹۳
عنوان و نام پدیدآور	کوهها با هم اند و... / تألیف باستانی پاریزی (محمدابراهیم).
مشخصات نشر	تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۵۲۰ ص.
شابک	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۲۴ - ۶۹۱ - ۵
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ T۱P ۵۶ /الف PIRV۹۹۳
رده‌بندی دیویی	۸۷۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۶۷۰۰۹۵



ذخیره

کوهها با هم اند و...

محمدابراهیم باستانی پاریزی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه

لینوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

خ انقلاب، خ دوازده فروردین - خ شهدای زاندارمری، بن‌بست گرانفر - پلاک ۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۲۴ - ۶۹۱ - ۵

فهرست مندرجات

۱۳

مقدمه

۱۳

یادداشت حمیده و حمید باستانی پاریزی

۱۷-۴۳

الف) تنهایی صدساله

(آنا گراسوولسکا (۱۸)، دکان بی رونق (۲۱)، خلیفه زاده گلخن نشین (۲۵)،
 هواپیمای آخرالدوام (۲۸)، کرم هفتاد در ژاپن (۳۰)، بشقاب میزبان و اهل
 تاریخ (۳۳)، دهائی دبدبئی به شنیدنی (۳۶)، یک ساندویچ سوسیس (۳۷)، همه
 جا خانه عشق است (۴۱)، سلمانی آموزی روی سر دیگران (۴۳)

۴۴-۵۵

ب) انفجار نارنجک

(بز پیش آهنگ (۴۹)، پای تخت باید تغییر کند (۵۱)، طبل میان تهی (۵۴))

۵۶-۶۳

ج) بختیار هست، ولی بخت یار نیست

(هفتاد هزار تومان مداخل (۵۹)، مزرعه ملا احمد (۶۰)، بیست زوج قالی تعارف
 ((۶۳))

۶۴-۷۳

د) قالی سرخ - پیش پای حاکم

(تقسیم پول بانکها (۶۶)، مردم کرمان چگونه اند (۶۸)، حکومت بندی حاکم
 (۶۹)، مداخل تکافونمی کند (۷۲))

۷۴-۸۹

هـ) بمبی که اسب را می کشد

(رئیس تلگرافی توقیف می شود (۷۷)، قند و شمع واردات اروپا (۷۹)، ایلخانی
 یک چشم (۸۰)، شهدای جنگ (۸۲)، مجداعلوم مخالف کشته می شود (۸۳)،

خلع سلاح دموکرات‌ها (۸۵)، شلیک صد و ده تیر توپ (۸۷)، قالی کرمانی علت شلیک (۸۹)

و) تبعید خود خواسته به شیراز جنت تراز ۹۰-۱۰۴
(مردمی که شیر جلودارشان نمی‌شود (۹۳)، رسماً مهمان والی - اسماً اسیر خشک و خالی (۹۵)، مجروحین اطریشی (۹۷)، اسب فرار کرد و آدم‌ها نه (۹۹)، یک سرباز گمنام دیگر (۱۰۰)، سواران عرب وارد می‌شوند (۱۰۴))

ز) فرمان حاکم معزول ۱۰۵-۱۲۲
(صلابت بختیاری (۱۰۸)، خداوند اکرم کردی (۱۰۹)، یک بار پول گم شد (۱۱۱)، حاکم حکماً باید حرکت کند (۱۱۳)، دلم برای خودم می‌سوزد (۱۱۴)، آیا کار تمام شده؟ (۱۱۶)، روس در اصفهان (۱۱۸)، سید ریش بلند (۱۲۰)، انجمن ۱۱۰ و تقسیم املاک (۱۲۲))

ح) سلطنت عشایری ۱۲۳-۱۴۱
(شیخ شکست می‌خورد و سید می‌برد (۱۲۴)، بزرگ‌ترین آریستوکراسی (۱۲۶)، خون سادات بر خاک غزنه در غور (۱۲۶)، سید حسینی و خلافت بغداد (۱۲۸)، آریستوکراسی رانندگی با چراغ خاموش (۱۲۹)، جواب جدش را چه بدهم؟ (۱۳۰)، سواران غرق می‌شوند (۱۳۱)، هجوم ملخ و قحطی کرمان (۱۳۲)، سلطنت عشایری (۱۳۴)، مردم فقیر و مظلوم کرمان (۱۳۶)، یک امتیاز برای سردار ظفر (۱۳۹)، جمال‌زاده و بچه‌های بختیاری (۱۴۰))

ط) غارت الملوک شیراز ۱۴۲-۱۶۱
(روزی دو قران پول و ۵ فشنگ (۱۴۴)، قوام الملک بداند (۱۴۵)، شاهنامه مصور کار چین (۱۴۸)، هورا کشیدند (۱۴۹)، چهار صد کیسه تنباکو (۱۵۱)، الفرار با چادر زنانه (۱۵۲)، باری که به بغداد نرسید و کدخدایی که در قلعه را باز نکرد (۱۵۳)، غارت الملوک (۱۵۵)، کارهای خلاف اصول (۱۵۶)، باز هم باز پول (۱۵۹)، قرضه ملی یا قرض‌الپس نده (۱۶۱))

ی) گله برگشت و پس افتاد بز پیش آهنگ ۱۸۰-۱۶۲

(مرگ از گرسنگی و تشنگی (۱۶۳)، صد بار پول و هشتاد قاطر (۱۶۴)، عجیب ترین خودکشی (۱۶۵)، دو هفت تیر بر دو شقیقه (۱۶۶)، شاخ بز و عفو عمومی (۱۶۶)، بوی پشته یا بوی کباب (۱۶۷)، دوی تربت و آب دعا (۱۶۸)، زیارت قبر سیروس (۱۶۹)، جایی که یک تومان سالم و درمان می ماند (۱۷۰)، بگریز به هنگام که هنگام گریز است (۱۷۲)، کدام یک اروپایی هستید؟ (۱۷۳)، زنجیرها به زمین ریخته شد (۱۷۴)، چایی مفصل در نظمیه (۱۷۶)، مطرب قوام سیگار تحفه می دهد (۱۷۸)، از سرما به همدیگر چسبیدیم (۱۷۹)، اندیشه و رفیق موافق (۱۸۰))

ک) بازی های چرخ بازیگر ۱۸۲-۱۹۰

(سوارخ موش (۱۸۴)، دوا در هاون می کوید (۱۸۶)، جفتانه بر سر مرگ قوام (۱۸۸)، چهارقاری بر سر جنازه قوام (۱۸۸))

ل) محاربه با امام عصر و حکم فرمانفرما ۱۹۱-۲۰۶

(توب شش اسبه و اسدخان و نایب (۱۹۲)، تنبان زنگوله دار (۱۹۴)، اصلاحات اداری (۱۹۴)، فرمانفرما می آید فقر می رود (۱۹۵)، بزرگوارای نمازی تاجر (۱۹۶)، عزل شازده غیر ممکن است (۱۹۹)، روضه شازده و قیمت زمین (۲۰۰)، پیشنهاد و محاربه با امام عصر (۲۰۱)، کام خرواری بیست تومان (۲۰۱)، نان جو زندی و بهبودستان فرمانفرما (۲۰۲)، جوارش عنبری (۲۰۳)، روزی سه قران مخارج زندانی (۲۰۴)، نیم تنه کار هند (۲۰۶))

م) جنگ هوایی در آسمان کازرون ۲۰۷-۲۲۳

(راه آهن برازجان به گور رفت (۲۱۰)، پرنده ای مثل ملخ در باغ تخت (۲۱۲)، جامه چرمی خلبان (۲۱۳)، حیدر حیدر کردن (۲۱۴)، خدا حافظی دیدار به قیامت (۲۱۴)، فاتح ورشو (۲۱۷)، ناپلئون و کلو تعبدونی (۲۱۷)، مش قاسم چه می گوید؟ (۲۱۹)، روضه در عمارت خورشید (۲۱۹)، قیمت نان تابه ای (۲۲۰)، سود سودآور (۲۲۱)، خانه خیابان پاستور (۲۲۲))

ن) منبرگردانی ۲۲۴-۲۳۹

(ما هم در این خانه حق داریم (۲۲۴)، خر لنگ و پیری (۲۲۶)، یک گونی

برنج و یک گوسفند از گله (۲۲۹)، چراغ افتخار بختیاری (۲۲۹)، گل کوهی و گلچین (۲۳۳)، خط قرمز مقدم جبهه (۲۳۳)، قبر خود را کردند و در دهج به خاک رفتند (۲۳۴)، زن کرمانی کالسکه‌ران (۲۳۶)

ص (شب‌نشینی زندانیان ۲۴۰-۲۶۱)

(جشن مولودی در زندان (۲۴۰)، دو بغل ترکه و یک فلک (۲۴۲)، شیر بز غذای طفلان مسلم (۲۴۳)، تبعید خردل به هندوستان (۲۴۵)، کرمانشاهی‌ها می‌روند - هندی‌هایم آیند (۲۴۵)، آب حمامی به نام آبگوشت (۲۴۶)، پروست آیت الله (۲۴۷)، یک سال و دو ماه وشش روز زندان (۲۴۸)، مسافری کرمانی (۲۵۱)، محبوسین آباده (۲۵۴)، محبوسین شهری فارس (۲۵۵)، محبوسین انتظامی (۲۵۵)، اعدام شدگان (۲۵۵)، یک قران سوخت زمستانی (۲۵۶)، کمک‌خواهی (۲۵۶)، تحقیقات ایرانی (۲۵۸)، هم خدایی هست و هم بیغمبری (۲۶۰)، لانه شتری خوراک کلاغ کوری (۲۶۱))

ف (چرا صد سال؟ چرا فراموشی؟ چرا تنهایی؟ ۲۶۲-۳۰۱)

(صدای کلندش دارد می‌آید (۲۶۲)، در دهستان لهستان (۲۶۵)، بوی ودکا و خوی ولگا (۲۶۶)، این پدر سوخته‌ها (۲۶۶)، عیب ندارد (۲۶۷)، نخستین جام (۲۶۸)، کرملی‌های پابره‌نه (۲۷۱)، عالی‌جناب نواب کامیاب (۲۷۱)، ایلچی فرنگ و شکار آهو (۲۷۳)، سفارت اولاد خواجه نصیر و قزاق‌ها (۲۷۴)، هشت هزار پلیس جنوب (۲۷۸)، یک الله اکبر و پانصد لیبه جازیه (۲۸۰)، قبول باشد (۲۸۱)، بازسازی استالین‌گراد (۲۸۳)، کودتای دو هزار قزاق (۲۸۴)، چهارصد زلوطی که لوطی‌خوار شد (۲۸۶)، خاکی به زیر سم دو مرکب (۲۸۷)، آسیب سب (۲۸۹)، دویست هزار لا (۲۹۰)، نکاح جماعت (۲۹۰)، خدا پدرش را بیمارزد (۲۹۱)، از استالین‌گراد تا صریستان (۲۹۱)، برج استالین یا مقبره هارون (۲۹۲)، هرزه‌گردی‌های ما (۲۹۴)، همسایه دیوار به دیوار (۲۹۵)، آیینه هم آیینه‌های قدیم (۲۹۸)، همسایه هم سور (۲۹۹)، ایران عزیز خانه ماست (۳۰۱))

بازار کرمان (شعر) ۳۰۲

برف شیره سیاست ۳۰۳

(سادات ترمذ (۳۰۶)، برف دی ماه و لاله‌زار (۳۱۰)، ماندیم میان این دو حالت

(۳۱۲)، اشعار برفیه (۳۱۷)، وثوق الدوله و اسکی سوارها (۳۲۱)، سیاست زمین سوخته (۳۲۴)، یک کفگیر از مساحت ایران (۳۲۹)، آتش ترخینه (۳۳۲)، کرمان و گرمان (۳۳۵)، تجدید حیات اقتصادی آلمان (۳۳۶)، مدرسه مقدادین اسود (۳۴۰)، آب به کرت آخر (۳۴۳)، دختر بده بیمه کنم (۳۴۸)، مدرسه پاریز (۳۴۹)، برف گرگ (۳۶۱)، بلای صدر اعظمی (۳۶۴) حق دارند (۳۶۵)

۳۷۲

قلعه کمر مرج

(ملکوت مارسان (۲۷۳)، قلعه کمر مرج (۳۷۴)، کوه کمری (۳۷۶)، مرغزار دیلم (۳۷۸)، مروسنجری (۳۸۰)، یک کلام آریایی (۳۸۲)، هر چه پیش آید شغل ایت (۳۸۳)، عقرب باستانشناس (۳۸۷)، مش قاسم چه می گوید (۳۸۸)، از آشناخور تا موکشان (۳۹۱)

۳۹۷

کوهها با هم اند و ..

(بخش آب نظنز (۳۹۸)، مایی خیریم (۴۰۰)، شوری شد (۴۰۱)، چهار جوی بهشت (۴۰۳)، آزارات و کشتی لوح (۴۰۳)، خرقلت در اروپا (۴۰۴)، این همه آب و ما تشنه لب (۴۰۵)، کوه برفی می زند (۴۰۹)، چرخه حیات (۴۱۰)، دماندیه بهار (۴۱۰)، کوه با آن عظمت (۴۱۱)، دزد خون آلوده (۴۱۵)، باد هم باده پیما نیست (۴۱۷)، بخت در بازار (۴۱۹)، قصیده سرایی زنده می ماند (۴۲۰)، قصیده ادیب برومند در باب کوهها (۴۲۲)، کوههای کرمان (۴۲۵)، پلنگ بدبخت در بدبخت کوه (۴۲۸)، نظر طلایی وزیری (۴۲۹)، کوهی که کوهی به پشت بسته (۴۳۲)، دو باران قوس و یکی در بهار (۴۳۴)، بهشتی در جهنم (۴۳۵)، خاری که دلار بار دارد (۴۳۷)، طلای سبز (۴۳۷)، همکاری هند و اصفهان (۴۳۹)، سرچشمه رودخانه های پاریز (۴۴۱)، استفاده بهینه از آب (۴۴۲)، گز دری که در کوره رفت (۴۴۶)، قریه و ده صد نه موزون از هزار (۴۴۸)، جغرافیای ایران به شعر (۴۵۰)، یک پهلوی جایزه (۴۵۰)، ابشار نیاگارا (۴۵۳)، همه مدیون بیابان هستیم (۴۵۴)، کشتی تایتانیک و کوه یخ (۴۵۹)، فرهادکوه (۴۶۰)، نیستی دلیل هستی است (۴۶۲)، روضه دریاچه ارومیه (۴۶۴)، چشمه شیرین در دریای شور (۴۶۸)، دو سال پیرتر از فیدل کاسترو (۴۷۰)، پشت سر ده هاریس جمهور (۴۷۱)، ولیمهدهایی که قبل از شاه می میرند (۴۷۲)، پا جای پای فلان (۴۷۵)، من آن مرغم و این جهان کوه من (۴۷۷)

۴۷۹

سرو باغ حاج عزیز

۴۸۳

نام یاب

فهرست تصاویر

فرمان جایزه حقوق ایل بیجاقچی	۲۷۹	دست خط پدر	۱۳
حسین خان و علی اکبر خان بیجاقچی	۲۸۱	دعوت نامه کراکوی	۱۹
رضاشاه و سه فرزندش	۲۸۵	نقشه کراکوی	۲۷
زیارت قبر جمال زاده	۲۹۳	پست جله مقاله ژاپنی	۳۱
دیداری از پروژ	۲۹۷	خانم آنا کروسوولسکا	۴۷
خانم مرکل	۳۰۹	آرشیدوک	۵۳
اسکی سوارها	۳۲۵	نمونه ای از یادداشت های سردار ظفر	۷۳
قلیان شکنی	۳۲۷	حسین خان بیجاقچی	۸۷
ماه آغل بسته	۳۳۱	خرید سهام نفت بختیاری	۱۱۹
آغل گوسفند	۳۳۳	سردار ظفر کنار یک قالیچه کرمانی	۱۲۵
دیوار برلین	۳۳۹	قرارداد ایل بختیاری	۱۲۷
برخیز که خود را به چراغی برسانیم	۳۴۵	دار زدن رفعت نظام	۱۳۷
کاوشگر از خواب بیدار شد	۳۵۳	قوام در محضر امام جمعه شیراز	۱۴۴
یک کامیوتر	۳۵۹	احمد بهمنیار	۱۴۷
دروازه براندنبورگ	۳۶۳	باغ دلگشا	۱۵۷
کرمان دومان	۳۶۷	مقبره کوروش در پاسارگاد	۱۷۱
سلکت ماریان	۳۷۵	نقشه خط سیر تبعیدها از کرمان	۱۸۱
قلعه کمر مرج	۳۷۹	مقبره خاتونگی قوام کنار حافظ	۱۸۵
نقشه منطقه شهر بابک	۳۸۱	سرلوحه روزنامه فکر آزاد و شعر	
جغرافیای سلکت محروسه کرمان	۳۸۹	بهمنیار	۱۸۷
قلعه حبیبی	۳۹۳	تصویری از فرمانفرما	۱۹۷
قلعه فلک الافلاک	۳۹۵	تصویری از یک هواپیمای قدیمی	۲۰۹
دماوند	۴۱۳	تصویر ناصر دیوان	۲۱۱
گردباد آمریکایی	۴۱۹	فرانسوا ریشار و ابوالعلاء سودآور	۲۲۳
قله اورست	۴۲۵	صفحه ای از ره آورد وحید	۲۲۷
کوه شاه خیرالله	۴۳۳	ویلهم امپراطور آلمان	۲۳۹
درخت پسته چهارصد ساله	۴۴۳	تصویری از ارگ کریم خانی شیراز	۲۴۱
ادب در جمع دوستان	۴۴۵	اسامی محبوسین شیراز	۲۴۹
یک اسکناس ده تومانی	۴۵۱	اسامی زندانیان به خط بهمنیار	۲۵۱
آبشار نیاگارا	۴۵۵	اسامی اعدایان شیراز	۲۵۳
بعد از طوفان اوکلاهاما	۴۵۷	صفحه اول یادداشت های بهمنیار	۲۵۹
کوه یخ	۴۶۱	نقشه کرمان در آمریکا	۲۶۴
دریاچه ارومیه	۴۶۵	ورشو شهر کرمان	۲۶۹
بر فراز آبشار نیاگارا	۴۷۵	تفنگچی های اس. پی. آر	۲۷۵

مقدمه

وجه تسمیه کتاب از تک بیت احمد شاملوست که می‌گوید:
کوهها باهمند و تنه‌ایند همچو ما با همان تنه‌ایان
خیلی خوشم آمد از یک شعر نو دیگر که گفتگو از دویدن کوهها
می‌کند.

می‌دود کوه، می‌دود ابر

می‌دود جنگل سبز انبوه

وقتی در پاریز بودم و در دشتها و کشتزارها عصرها می‌گشتم، و گاهی
از دیده دور می‌افتادم، شروع به دویدن می‌کردم و آنوقت می‌دیدم،
نمی‌دانم طبق کدام پدیده طبیعی، هم دشت همراهم می‌دوید، هم کوه
می‌دوید، هم ابر می‌دوید و هم درختها راه می‌رفتند و یک عالم رویایی پر
لذت برایم پدید می‌آمد.

وقتی شعر ژاله اصفهانی را دیدم و خواندم، عین خیالات آن روزها در
من تکرار شد. او هم به شعر من علاقه داشت و بعد از بازگشت او از برلین
شرقی چندین بار ملاقاتش کرده بودم. و اینک شعر او که دکتر امیرحسین
سام روی آن آهنگی ساخته و اشکان کمانگیری آن را خوانده است:

می دود آسمان

می دود ابر

می دود دره و می دود کوه

می دود جنگل سبز انبوه

می دود رود

می دود نهر

می دود دهکده

می دود شهر

می دود می دود دشت و صحرا

می دود موج بی تاب دریا

می دود خون گلرنگ رگها

می دود فکر

می دود عمر

می دود، می دود، می دود راه

می دود موج و مهواره و ماه

می دود زندگی خواه و ناخواه

من چرا گوشه ای می نشینم؟

در این مورد آخرین تیر ترکش خود را بزنم و خلاص شوم. این شعر را مخصوصاً در مقاله ای که به افتخار ادیب برومند چاپ می شود آورده ام، چه او از مخالفین سر سخت شعر نو است. در حالیکه امروز کتاب «هشت کتاب» سهراب سپهری بارها چاپ شده و به آلمانی هم ترجمه شده و شعرهای فریدون مشیری به لطف شجریان دنیا را گرفته و شعر نیما هم غریب نمانده است....

پ.پ.